اشعار نیمایی سهراب سپهری در ترازوی عروض شعر کلاسیک

دکتر عبّاس ماهیار
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد واحد کرج

کامران شاه مرادیان
دانشجوی دکترای ادبیّات فارسی دانشگاه آزاد کرج

چکیده

سهراب سپهری یکی از معدود شاعران نوپرداز معاصر است که حضوری عمیق و اثربخش در ادبیّات فارسی و شعر ایرانی داشته است. در این تحقیق سعی شده تا با سنجیدن اشعار نیمایی این شاعر در ترازوی عروض شعر کهن فارسی، رابطهٔ شعر او و شعر کلاسیک از نظر هارمونی وزنی نشان داده شود، بدین منظور تلاش شده که پس از بررسی و مطالعهٔ اشعار این شاعر، ضمن معرفی عنوان اشعار چهل و هشت‌گانهٔ او که در حوزهٔ قالب نیمایی سروده شده‌اند، با ذکر نام منبع و نام بحر، بسامد بحرهای به‌کار گرفته شده را با استفاده از جداول به صورت درصد درآورده و پس از بررسی هفت شعر از اشعار نیمایی او، ویژگی‌ها و تحوّلات ایجاد شده در آن اشعار در مقایسه با وزن شعر کلاسیک نشان داده شده است.

کلید واژه‌ها:

سهراب سپهری، شعر نیمایی، هارمونی، وزن، تحوّلات.

۱- مقدّمه

همزمان با امضای فرمان مشروطیّت، در حوزهٔ ادبیّات فارسی به‌ویژه شعر، اتّفاقاتی افتاد که منجر به تغییر و دگرگونی و یک انقلاب ادبی شد. شاعرانی چون لاهوتی، شمس کسمایی، جعفر خامنه‌ای و تقی رفعت به تبعیّت ازشاعران اروپا به سرودن اشعاری پرداختند که دیگر در آن خبری از تساوی مصراع‌ها و هجاها و جایگاه ثابت قوافی نبود؛ علی‌رغم مقاومت برخی سنّت‌گرایان، این رویه ادامه پیدا کرد و با ظهور نیما یوشیج به اوج رسید؛ نیما علاوه بر ساختار ظاهر شعر، در محتوای آن هم تغییراتی ایجاد کرد و سپس پیروان او مخصوصاً اخوان ثالث، سهراب سپهری، احمد شاملو و فروغ فرخ‌زاد راه او را ادامه دادند و آن نونهال را به درختی تنومند تبدیل کردند که ما امروزه آن را تحت عنوان شعر نیمایی به صورتی نظام‌یافته و صیقل‌خورده مشاهده می‌کنیم.

در آغاز، سنّت‌گرایان این نوع شعر را بی‌نظم قلمداد می‌کردند امّا نیما در این باره می‌گوید: «من برای این بی‌نظمی هم به نظمی اعتقاد دارم. هر کلمهٔ من از روی قاعدهٔ دقیق به کلمهٔ دیگر می‌چسبد، شعر آزاد سرودن برای من دشوارتر از غیر آن است . . . می‌توانم بگویم من به رودخانه شبیه هستم که از هر کجای آن لازم باشد، بدون سروصدا می‌توان آب برداشت» (رهنما، ۱۳۸٤: ۱۹)

سهراب سپهری هم یکی از پیروان وفادار نیما یوشیج است که با الهام از شیوه و سبک نیما و توجه به شعر فروغ فرخ‌زاد، راه نوپردازان را ادامه داد.پاره ای از اشعار او از نظر ساخت و قالب، از قید وزن عروضی، ردیف و قافیه آزاد است. شعر سپهری آهنگین و دلنشین است و بسیاری از احساساتش را با به‌کارگیری اسطوره و نماد بیان کرده است (ایمنی، ۱۳۸٦: ۳۵۵).

این سؤال در ذهن برخی از دوستداران شعر و ادب همواره نقش بسته است که سهراب سپهری با آن نگارش عارفانه و آمیزش شعر او با نقّاشی چه تاثیری در روند هارمونی وزنی و تحوّلات محتوایی شعر نوین فارسی داشته است و اصولاً از

چه اوزانی بیشتر استفاده کرده است. جهت دستیابی به پاسخ این سؤال سعی کرده‌ایم با مطالعهٔ آثار او، اشعار نیمایی او را مشخص کرده و جهت جلوگیری از اطالهٔ کلام، با ذکر عناوین اشعار و ارجاع آن به منبع اصلی در جدول‌های آماری میزان طبع آزمایی او را در حوزهٔ هر یک از بحور به کار گرفته نشان دهیم و سپس با بررسی شش شعر از اشعار نیمایی او در اوزان و بحور مختلف تحوّلات و دگرگونی‌هایی را که در وزن شعر نو فارسی ایجاد کرده است، مشخص کنیم.

یادآوری می‌کند در تقسیم‌بندی اوزان و بحور از کتاب المعجم فی معاییر اشعار العجم شمس قیس رازی و در نام‌گذاری از فرهنگ عروضی دکتر سیروس شمیسا، حسین مدرّسی و عروض سیفی استفاده شده است.

۲- نوجویی چیست؟

روحیهٔ تجدّد طلبی و نوجویی، شاعران را در برهه‌ای از زمان بر آن داشت که هم زمان با تحوّلات اجتماعی، سیاسی و ادبی، پلی ارتباطی جدید برای ارتباط با مخاطبان خود بسازند تا نسبت به تحوّلات جامعهٔ خود از قافله عقب نمانند. فرایند ساختن این پل، دوره‌های مختلف تکامل شعر نو را تشکیل داد تا این‌که اشعار نوگرایان از صافی قواعد جدید عاطفی، محتوایی و موسیقایی عبور کرده و به شکلی نظام‌یافته و صیقل داده به مخاطبان خود عرضه شدند.

می‌توان گفت با ظهور نیما، اخوان، سهراب و ... شاعران نوپرداز رفته رفته دریافتند که هدف از سرودن شعر به سبک نو، صرفاً خروج از قالب کلیشه‌ای تساوی مصراع‌ها و وزن شعر نیست، بلکه هدف این است که شاعران ضمن ارج نهادن به ایده‌های شعری خود، موسیقی شعر و وزن را در خدمت محتوا قرار دهند و به اقتضای نیاز با رعایت اصول عروضی، وزن را در جهت خدمت به اندیشهٔ خود به کار گیرند.

قالب‌های شعر معاصر فارسی به چهار یا پنج دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از: آثار کلاسیک، قالب‌های نو نیمایی، قالب‌های آزاد، وزن‌های ناشناخته و شعر سپید (ماهیار، ۱۳۸٦: ۲۱۹).

در این مقاله تنها به بررسی اشعاری از سهراب پرداخته شده که در حوزهٔ قالب نو نیمایی سروده شده‌اند؛ از اظهارنظر دربارهٔ سایر قوالب خودداری شده است.

۳- اشعار نیمایی سهراب سپهری

پس از جستجو در آثار سپهری، چهل و هشت شعر او را که در حوزهٔ نیمایی سروده شده است، ارزیابی کردیم که اینک با ذکر منبع، عنوان این اشعار را به تفکیک بحرهای عروضی ذکر می‌کنیم؛ برای سهولت در امر نشان دادن عنوان اشعار و مأخذ آن، نام اشعار ومشخّصات آن را در جدول آورده‌ایم تا خواننده راحت به اطلاعات لازم دست پیدا کند:

جدول اشعار نیمایی سهراب سپهری که در حوزهٔ بحور متفق‌الارکان سروده شده‌اند

ردیف	عنوان شعر	نام کتاب	صفحه کتاب	ناشر و سال نشر	نام بحر
۱	وهم	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٦۷	طهوری ۱۳۸۷	هزج
۲	آفتابی	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۸۳	طهوری ۱۳۸۷	هزج
۳	از آب‌ها به بعد	هشت‌کتاب/ ما هیچ، ما نگاه	٤۲۳	طهوری ۱۳۸۷	هزج
٤	در قیر شب	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۱۱	طهوری ۱۳۸۷	رمل
٥	روشن شب	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۲۳	طهوری ۱۳۸۷	رمل
٦	رو به غروب	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۲۷	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۷	جان گرفته	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۳٦	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۸	دنگ	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٤٤	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۹	دیوار	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٥۱	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱۰	نقش	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٦۰	طهوری ۱۳۸۷	رمل

۱۱	سرگذشت	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٦٤	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱۲	با مرغ پنهان	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٦٩	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱۳	سرود زهر	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۷۲	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱٤	گل آیینه	هشت کتاب/ شرق اندوه	۱٤٥	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱٥	صدای پای آب	هشت کتاب/ حجم سبز	۲۷۱	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱٦	ساده رنگ	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٤۲	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱۷	در گلستانه	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٤۸	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱۸	غربت	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٥۲	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۱۹	پیغام ماهی‌ها	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٥٥	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲۰	نشانی	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٥۸	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲۱	واحه‌ای در لحظه	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٦۰	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲۲	پشت دریاها	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٦۲	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲۳	تپش سایهٔ دوست	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٦٦	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲٤	صدای دیدار	هشت کتاب/ حجم سبز	۳٦۹	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲٥	شب تنهایی خوب	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۷۱	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲٦	سورهٔ تماشا	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۷۳	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲۷	پرهای زمزمه	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۷۷	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲۸	ورق روشن وقت	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۷۹	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۲۹	جنبش‌واژهٔ زیست	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۸٥	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۳۰	از سبز به سبز	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۸۸	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۳۱	ندای آغاز	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۹۰	طهوری ۱۳۸۷	رمل
۳۲	به باغ همسفران	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۹٤	طهوری ۱۳۸۷	متقارب

جدول فوق نشان می‌دهد که از مجموع هفت بحر متّفق‌الارکان که شاعران سنّت‌گرای ما در حوزهٔ اوزان آن بحور طبع‌آزمایی کرده‌اند، سهراب سپهری تنها در محدودهٔ سه بحر هزج، رمل، و متقارب شعر سروده است و در این بین، بیشترین بسامد اوزان شعر این شاعر در حوزهٔ بحر رمل اتفّاق افتاده است و جای تعجّب است که سهراب خلاف اغلب شاعران، زیاد از سرودن شعر نیمایی در حیطهٔ اوزان بحر هزج استقبال نکرده است! اینک به جدول عنوان اشعار نیمایی از سهراب که در حوزهٔ بحور مختلف‌الارکان سروده شده‌اند، توجّه می‌کنیم:

جدول اشعار نیمایی سهراب سپهری که در حوزهٔ بحور مختلف‌الارکان سروده شده‌اند:

ردیف	عنوان شعر	نام کتاب	صفحه کتاب	ناشر و سال نشر	نام بحر
۱	مرغ معما	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۲۰	طهوری ۱۳۸۷	منسرح
۲	همیشه	هشت کتاب/ حجم سبز	٤۰۲	طهوری ۱۳۸۷	منسرح
۳	تا نبض خیس صبح	هشت کتاب/ حجم سبز	٤۰۵	طهوری ۱۳۸۷	منسرح
٤	ای شور، ای قدیم	هشت‌کتاب/ ما هیچ، ما نگاه	٤۱۱	طهوری ۱۳۸۷	منسرح
۵	نزدیک دورها	هشت‌کتاب/ ما هیچ، ما نگاه	٤۱٤	طهوری ۱۳۸۷	منسرح
٦	اکنون هبوط رنگ	هشت‌کتاب/ ما هیچ، ما نگاه	٤۲۰	طهوری ۱۳۸۷	منسرح
۷	سپیده	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۱۷	طهوری ۱۳۸۷	مضارع
۸	خراب	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۳۳	طهوری ۱۳۸۷	مضارع
۹	نایاب	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٤۸	طهوری ۱۳۸۷	مضارع
۱۰	رنگ مرگ	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۵٤	طهوری ۱۳۸۷	مضارع
۱۱	دریا و مرد	هشت کتاب/ مرگ رنگ	۵۷	طهوری ۱۳۸۷	مضارع
۱۲	هم سطر، هم سپید	هشت‌کتاب/ ما هیچ، ما نگاه	٤۲٦	طهوری ۱۳۸۷	مضارع
۱۳	درهٔ خاموش	هشت کتاب/ مرگ رنگ	٤۱	طهوری ۱۳۸۷	مجتث
۱٤	شاسوسا	هشت کتاب/ آواز آفتاب	۱۳۸	طهوری ۱۳۸۷	مجتث
۱۵	مسافر	هشت کتاب/ شرق اندوه	۳۰۳	طهوری ۱۳۸۷	مجتث
۱٦	دوست	هشت کتاب/ حجم سبز	۳۹۸	طهوری ۱۳۸۷	مجتث

جدول فوق نشانگر آن است که از مجموع دوازده بحر مختلف الارکان که شاعران سنّتی‌پرداز ما در حوزهٔ آن بحور طبع‌آزمایی کرده‌اند، سهراب سپهری تنها در محدودهٔ سه بحر منسرح، مضارع و مجتث شعر سروده است و میزان کاربرد اوزان این سه بحر تقریباً به هم نزدیک است و سهراب به‌طور خاص از سرودن اشعار نیمایی خود در یک بحر از دایرهٔ مختلف الارکان استقبال چندانی نکرده و آن‌گونه که توجه ویژه‌ای به بحر رمل در دایرهٔ بحور متفق‌الارکان داشته است، به یک بحر خاص در دایرهٔ بحور مختلف‌الارکان توجه نداشته است.

٤- آمار بسامدها

اینک به جداول مقایسهٔ درصدی چهل و هشت شعر نیمایی که سهراب در حوزهٔ بحور عروضی سروده است، توجه می‌کنیم:

جدول آماری اشعار نیمایی سروده شده در حوزهٔ بحور متّفق‌الارکان

نام بحر	تعداد اشعار	درصد
هزج	۳	۹/۳۷
رمل	۲۸	۸۷/۵
متقارب	۱	۳/۱۲
جمع	۳۲	۱۰۰

جدول آماری اشعار نیمایی سروده شده در حوزهٔ بحور مختلف‌الارکان

نام بحر	تعداد اشعار	درصد
منسرح	٦	۳۷/۵
مضارع	٦	۳۷/۵
مجتث	٤	۲۵
جمع	١٦	۱۰۰

جدول آماری مقایسه‌ای تمام بحور به‌کار رفته در اشعار نیمایی اخوان ثالث

نام بحر	تعداد اشعار	درصد
رمل	۲۸	۵۸/۳۳
منسرح	٦	۱۲/۵
مضارع	٦	۱۲/۵
مجتث	٤	۸/۳۳
هزج	۳	٦/۲۵
متقارب	۱	۲/۰۸
جمع	٤۸	۱۰۰

با دقّت در جداول آماری اشعار نیمایی سهراب سپهری درمی‌یابیم که این شاعر، چهل و هشت شعر در محدودهٔ قالب نیمایی سروده است که بالاترین بسامد کاربردی آن در اوزان مختلف بحر رمل اتّفاق افتاده است؛ ضمن این‌که این شاعر آن‌گونه که در حوزهٔ بحور متّفق‌الارکان طبع‌آزمایی کرده است، استقبال چندانی از سرودن شعر در حیطهٔ اوزان بحور مختلف الارکان نکرده است؛ فراموش نکنیم که سهراب، از مجموعهٔ نوزده بحر عروضی که شعرای سنّتی پرداز ما در اوزان آن‌ها شعر سروده‌اند، تنها به شش بحر هزج، رمل، متقارب، منسرح، مضارع و مجتث نگاه داشته است و به سیزده بحر: رجز، کامل، وافر، متدارک، خفیف، مقتضب، سریع، قریب، جدید، طویل، مشاکل، مدید و بسیط توجهی نداشته است. نکتهٔ دیگری که این نتایج آماری برای ما یادآوری می‌کند این است که معمولاً شاعران اعم از گذشته و معاصر، اشعار فراوانی در حوزهٔ دو بحر رمل و هزج سروده‌اند و به تبعیت از این دو بحر، در بحر مضارع هم آمار بسیار پر رنگی دارند، چون بحر مضارع (مفاعیلن فاعلاتن) اجزایی دارد که ترکیبی از دو بحر رمل و هزج است ولی سهراب خلاف سایرین، مقداری این محاسبات را به هم زده است ؛چرا که به‌لحاظ کم توجّهی این شاعر به بحر هزج، اشعار سروده شدهٔ او در محدودهٔ بحر مضارع هم چشم‌نواز نیست؛ ولی در بحر رمل او هم مثل سایرین بسامد بالایی دارد. این نکته ضروری است یادآوری شود که ما می‌دانیم هیچ شاعری قبل از سرودن شعر، وزن و ارکان عروضی آن را تعیین نمی‌کند بلکه بعدها دیگران شعر او را در ذیل اوزان و بحور عروضی طبقه‌بندی می‌کنند لیکن گاهی یک حس ناخودآگاه باعث می‌شود شاعران توجه ویژه‌ای به آهنگ و وزن یک یا چند بحر داشته‌باشندکه همین امر موجب پر رنگ‌تر شدن بسامد اوزان به کار گرفته در یک یا چند بحر می‌شود.

۵- دگرگونی‌های وزنی

اکنون به بررسی لخت‌هایی از هفت شعر سروده شده در چند بحر از بحوری که اشعار نیمایی سهراب در آن سروده شده است می‌پردازیم و کیفیّت و کمیّت اوزان و تحوّلات ایجاد شده در آن را نشان می‌دهیم.

قبل از پرداختن به بررسی این شعرها ذکر چند نکته الزامی است: اولاً مبنای کار ما در این بخش جهت نام‌گذاری اوزان و بحور، همان بیت در قالب‌های شعر کلاسیک است یعنی وقتی روی یک لخت سه رکنی اظهارنظر می‌کنیم، ناچاریم آن را «مسدس» بنامیم و چهار رکنی را مثمّن و . . ثانیاً تمام لخت‌های یک شعر را انتخاب نکرده‌ایم چون این امر موجب طولانی‌شدن مقاله می‌شد و به ذکر چند نکته از هر شعر اکتفا نموده‌ایم؛ ضمناً از تقطیع لخت‌ها خودداری شده و حاصل تقطیع به صورت اوزان نام‌گذاری شده در حیطهٔ بحور منعکس شده است.

«وهم»

جهان آلودهٔ خواب است
فروبسته است وحشت در به روی هر تپش، هر بانگ
چنان‌که من به روی خویش
در این خلوت که نقش دلپذیرش نیست (سپهری، ۱۳۸۷: ٦٧)

لخت‌های اوّل و سوم با وزن «مفاعیلن مفاعیلان» در بحر هزج مربع مسبغ، لخت دوم با وزن «مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلان» در بحر هزج مثمن مسبغ و لخت چهارم با وزن «مفاعیلن مفاعلین مفاعیلان» در بحر هزج مسدس مسبغ سروده شده‌اند. در پاره‌ای از ارکان اختیار شاعری تبدیل مصوّت کوتاه به بلند مشاهده می‌شود و تنها تحوّلی که در وزن این شعر می‌بینیم، نابرابری عدد ارکان در لخت‌هاست که این بارزترین تفاوت قالب شعر نیمایی با قوالب سنّتی است.

«نقش»

در شبی تاریک
که صدایی با صدایی در نمی‌آمیخت
و کسی را نمی‌دید از ره نزدیک
یک نفر از صخره‌های کوه بالا رفت (سپهری، ۱۳۸۷: ٦۰)

لخت اوّل با وزن «فاعلاتن فاع» در بحر رمل مربع مجحوف مسبغ و لخت‌های دوم و چهارم با وزن «فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاع» در بحر رمل مثمن مجحوف مسبغ سروده شده‌اند. امّا لخت سوم با وزن «فاعلاتن مفاعیلن فعلاتان» چند نکته دارد: رکن دوم این لخت را زحاف «مفاعیلن» تشکیل می‌دهد و این زحاف در ذیل زحافات منشعب از «فاعلاتن» تعریف نشده است و این ایجاد نوعی تحوّل وزنی است که شاعر با خروج از دایرهٔ اوزان و زحافات یک بحر، وارد دایرهٔ بحر دوم می‌شود و شاعر با این لغزش، ارکان بحر هزج را در دل شعر سروده شده در محدودهٔ بحر رمل آورده است. ضمن این‌که در تعدادی از ارکان هم اختیار شاعری تبدیل مصوّت کوتاه به بلند مشاهده می‌شود.

«پشت دریاها»

قایقی خواهم ساخت
خواهم انداخت به آب
دور خواهم شد از این خاک غریب
که در آن هیچ‌کسی نیست که در بیشهٔ عشق
قهرمانان را بیدار کند
قایق از تور تهی
و دل از آرزوی مروارید (سپهری، ۱۳۸۷: ۳٦۲)

لخت اوّل با وزن «فاعلاتن فع لان» در بحر رمل مربع اصلم مسبغ، لخت دوم با وزن «فاعلاتن فعلان» در بحر رمل مربع مخبون مقصور، لخت سوم با وزن

«فاعلاتن فعلاتن فعلان» در بحر رمل مسدس مخبون مقصور، لخت چهارم با وزن «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلان» در بحر رمل مثمن مخبون مقصور، لخت پنجم با وزن «فاعلاتن فعلاتن فعلن» در بحر رمل مسدّس مخبون محذوف، لخت ششم با وزن «فاعلاتن فعلن» در بحر رمل مربع مخبون محذوف سروده شده‌اند. رکن دوم لخت پنجم اختیار شاعری تسکین دارد؛ یعنی به‌جای فعلاتن «∪ ∪ – – »، رکن مفعولن «– – – » آمده است که در حقیقت شاعر به جای دو هجای کوتاه « ∪ ∪ » یک هجای بلند (–) منظور کرده است.

امّا نکتهٔ قابل تأمّل در لخت هفتم این شعر است که وزن این لخت «فعلاتن مفاعلن فع لان» است؛ حضور زحاف «مفاعلن» در رکن دوم این لخت، وزن کل لخت را تغییر می‌دهد و آن را از حوزهٔ بحر رمل وارد حوزهٔ بحر خفیف می‌کند یعنی لخت هفتم در بحر خفیف مسدس اصلم مسبغ سروده شده است؛ این عمل شاعر نوعی گریز از هنجار وزنی محسوب می‌شود که در عروض شعر سنّتی شایع نیست.

«به باغ همسفران»

صدا کن مرا
صدای تو خوب است
صدای تو سبزینهٔ آن گیاه عجیبی است
که در انتهای صمیمیت حزن می‌روید (سپهری، ۱۳۸۷: ۳۹٤)

لخت اوّل با وزن «فعولن فعل» در بحر متقارب مربع محذوف، لخت دوم با وزن «فعولن فعولن» در بحر متقارب مربع سالم، لخت سوم با وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن» در بحر متقارب سالم با پنج رکن و لخت چهارم با وزن «فعولن فعولن فعولن فعولن فع» در بحر متقارب ابتر با شش رکن سروده شده‌اند؛ در این شعر هم نوعی دیگر از هنجارگریزی وزنی دیده می‌شود و آن

آوردن لخت‌هایی است که بیش از چهار رکن عروضی دارند و این کار در عروض شعر سنّتی زیادمعمول نیست؛ در لخت‌های سوم و چهارم با پنج و شش رکن این تحوّل ایجاد شده است.

«تا نبض خیس صبح»

آه، در ایثار سطح‌ها چه شکوهی است!
ای سرطان شریف عزلت!
سطح من ارزانی تو باد!
یک نفر آمد (سپهری، ۱۳۸۷: ٤٠٥)

لخت اوّل با وزن «مفتعلن فاعلاتُ مفتعلن فاع» در بحر منسرح مثمن مطوی «مفتعلن فاعلاتُ فع لن» در بحر منسرح مسدس مطوی احذّ» و لخت چهارم با وزن «مفتعلن فع» در بحر منسرح مربع مطوی منحور سروده شده‌اند، لخت سوم با وزن «مفتعلن فاعلاتُ فاع» وضعیّت متفاوتی دارد؛ دو رکن اوّل و دوم این لخت یعنی «مفتعلن فاعلاتُ» از زحاف تعریف شده در بحر منسرح اند اما رکن سوم آن یعنی «فاع» در ذیل زحافات منشعب از جزء «مستفعلن» از بحر منسرح نیامده و تعریف نشده است و این عمل هم نوعی ایجاد تحوّل در هارمونی اوزان شعر کلاسیک به‌حساب می‌آید.

«نایاب»

شب ایستاده است
خیره نگاه او
بر چارچوب پنجرهٔ من
سر تا به پای پرسش، امّا
اندیشناک مانده و خاموش (سپهری، ۱۳۸۷: ٤٨)

لخت اوّل با وزن «مفعولُ فاعلان» در بحر مضارع مربع اخرب مقصور، لخت دوم با وزن «مفعولُ فاعلن» در بحر مضارع اخرب محذوف، لخت‌های سوم و

پنجم با وزن «مفعولُ فاعلاتُ فعولن» در بحر مضارع مسدس اخرب مکفوف محذوف سروده شده‌اند. اما ظاهر شدن زحاف «فع لن» در رکن پایانی لخت چهارم سبب شده است که وزن این لخت را از حوزهٔ بحر مضارع خارج کند؛ چرا که این رکن یعنی «فع لن» در ذیل ازاحیف مستخرج از «مفاعیلن» از اجزای اصلی بحر مضارع تعریف نشده است و نوعی انحراف از وزن و بحر اصلی محسوب می‌شود که این کار هم در مقایسه با طبقه‌بندی اوزان و چیدمان ارکان و از احیف عروض سنّتی، یک نوع دگرگونی به حساب می‌آید و وزن این لخت را در حوزهٔ اوزان ناشناخته طبقه‌بندی می‌کند.

«درّهٔ خاموش»

سکوت، بند گسسته است
کنار درّه، درخت شکوه پیکر بیدی
در آسمان شفق رنگ
عبور ابر سفیدی
. . .
خیال درّه و تنهایی
دوانده در رگ او ترس (سپهری، ۱۳۸۷: ٤١)

لخت‌های اوّل، چهارم و ششم با وزن «مفاعلن فعلاتن» در بحر مجتث مربع مخبون، لخت دوم با وزن «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن» در بحر مجتث مثمن مخبون، لخت سوم با وزن «مستفعلن فعلاتن» در بحر مجتث مربع مخبون سروده شده‌اند؛ اما وجود زحاف «فع» در رکن سوم لخت پنجم سبب شده است که وزن این لخت را از محدوده بحر مجتث خارج کند؛ چرا که زحاف «فع» در ذیل ازاحیف جزء اوّل بحر مجتث یعنی (مستفعلن) تعریف نشده است و باز هم هنجارگریزی اتّفاق افتاده است.

نتیجه‌گیری

از آنچه در این مقاله بیان شد می‌توان به نکات زیر دربارهٔ اشعار نیمایی سهراب سپهری و شیوهٔ مواجههٔ او با اوزان و بحور عروض سنّتی دست پیدا کرد:

۱- سهراب سپهری یکی از پیروان نیما یوشیج است و در غالب اشعار نیمایی خود، هارمونی وزنی را که نیما به آن اعتقاد داشت حفظ کرده است.

۲- بیش از هفتاد درصد اشعار نیمایی سهراب در حوزهٔ اوزان منشعب از بحور متّفق‌الارکان سروده شده است و بیشترین بسامد اوزان به‌کار رفته او در بحر رمل اتّفاق افتاده است.

۳- سهراب خلاف گذشتگان و حتّی معاصران خود،توجّه چندانی به سرودن شعر در اوزان بحر هزج نداشته است و این نکته جالب است که همین کم توجهی به بحر هزج نقش بحر مضارع را هم در دایرهٔ اوزان اشعار نیمایی او کم رنگ کرده است و این در حالی است که غالباً شاعران سنتی‌پرداز معاصر بیش از سایر اوزان، به اوزان منشعب از دو بحر هزج و رمل توجه نشان داده‌اند و به تبعیّت از این امر، آمار اشعار سروده شدهٔ آنان در حوزهٔ بحر مضارع هم بالا می‌رود؛ امّا سهراب این‌جا هم هنجارشکنی کرده است و این آمار در مورد اوزان اشعار او صدق نمی‌کند. البته دکتر تقی وحیدیان کامیار هم در مقالهٔ بحرهای مجتث، مضارع، رمل و هزج را به‌عنوان پرکاربردترین اوزان شعر فارسی

معرفی کرده است (فصلنامه ٔ تخصصی ادبیات فارسی، ۱۳۸۳: ۲٦) امّا سهراب تا حدودی این قاعده را درهم شکسته است.

٤- شاعران نوپرداز از جمله سهراب هم جهت توجیه نارسایی‌های وزنی، گاهی به اقتضای نیاز، از اختیارات‌واقتضائات شاعری‌استفاده کرده‌اند که در عروض شعر سنّتی به اختیارات شاعری موسوم است.

۵- لخت‌ها یا مصراع‌های اشعار نیمایی از نظر تعداد ارکان ثابت و یکنواخت نیستند یعنی شاعر ارکان شعر خود را مقید به مربع، مسدس یا مثمن نمی‌کند و هر جا لازم باشد به تناسب محتوا و واژگان مورد نیاز، مصراع خود را از یک رکن تا ارکان دو رقمی لحاظ می‌کند و همین امر ایجاد نوعی تحوّل در وزن شعر کلاسیک است. -٦- یکی دیگر از تحوّلات ایجاد شده در اوزان شعر کلاسیک توسط نوپردازان، گریز از هنجار وزنی و خروج از محدوده ٔ یک بحر و وارد شدن به حوزهٔ بحر دوم و گاه سوم است که سهراب سپهری هم از این قاعده مستثنی نیست و در اشعار نیمایی او از این لغزش‌ها فراوان مشاهده می‌شود؛ یا گاهی هم در خلال ارکان یک بحر، رکن یا ارکانی می‌آورند که در حوزه ٔ آن بحر تعریف نشده و از طرفی وارد محدوده ٔ بحر دوم هم نشده است که می‌توان این نوع ابداع را اوزان ناشناخته نام نهاد؛ که در بخش دگرگونی‌های وزنی، نمونه‌هایی از این قبیل را ذکر کردیم.

منابع و مآخذ

۱- ایمنی، خسرو، (۱۳۸٦). شعر امروز ایران. تهران: نیما.

۲- رازی، شمس الدّین محمّدبن قیس، (۱۳٦۰). المعجم فی معاییر اشعارالعجم. تهران : فردوسی.

۳- رهنما، تورج، (۱۳۸٤)، شعر رهایی است. تهران: ققنوس.

٤- سپهری، سهراب، (۱۳۸۷). هشت کتاب. تهران: طهوری.

۵- شمیسا، سیروس، (۱۳۷۵). فرهنگ عروضی. تهران: فردوسی.

٦- ماهیار، عبّاس، (۱۳۸٦). عروض فارسی. تهران: قطره.

۷- مدرّسی، حسین، (۱۳۸۳). فرهنگ توصیفی اصطلاحات عروضی. تهران: سمت.

۸- وحیدیان کامیار، تقی (۱۳۸۳). ویژگی‌های شگفت‌انگیز وزن فارسی، فصلنامهٔ تخصصی ادبیّات فارسی، دورهٔ تابستان، شماره ۱و۲، صص ۳٤-۱۹.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی